

Research Article

**Iran's Islamic Revolution Giving Identity
to the Axis of Islamic Resistance
(A Case Study: Lebanon's Hizbullāh)¹**

Pirouz Hashempour¹, Alimohammad Haghighi², Ghafar Zarei³

¹ Ph.D. Student, Political science, lamerd branch, Islamic Azad University, lamerd, Iran.

Pirouz.hashempour@yahoo.com

² Assistant Professor, Department of Political Science, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran
(**Corresponding Author**). am.haghighi@yahoo.com

³ Assistant Professor, Department of Political Science, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran.
ghafarzarei@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present research is to study the relationship between Iran's Islamic Revolution and the formation of the Axis of Resistance in giving identity to Lebanon's Hizbullāh. The main hypothesis is that the Islamic and Shi'ite identity of Iran's Revolution having some criteria such as soft power could have give identity to the Shi'ite movement of Lebanon's Hizbullāh and emphasize on the spirit of seeking martyrdom, religion-centeredness, Shi'ite symbolism, belief in Wilāt-i Faqīh, and battle against the hegemony in regional aspects. The method of study was descriptive analysis and the results showed that the cultural, Shi'ite, political, and geographical features have expanded the identity that Iran's Islamic Revolution has given to Lebanon's Hizbullāh.

Keywords: Iran's Islamic Revolution, Axis of Resistance, Identity, Lebanon's Hizbullāh, Shi'ite Revolutions.

1. **The present research article is extracted from:** the Ph.D. thesis entitled: **The Role of the Islamic Republic of Iran in Giving Identity to the Security of the Axis of Islamic Resistance**, by Pīrūz Hāshim Pūr, supervised by Alī Muhammad Haqīqī , presented at the faculty of Humanities, Islamic Azad University, Lamird, in 1399.

* **Received:** 2020/11/28 ; **Accepted:** 2021/02/17

** Copyright © the authors

هویت‌بخشی انقلاب اسلامی ایران به محور مقاومت اسلامی (مطالعه موردی: حزب‌الله لبنان)^۱

پیروز هاشم‌پور^۱، علی محمد حقیقی^۲، غفار زارعی^۳

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران. Pirouz.hashempour@yahoo.com
^۲ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران (نویسنده مسئول). Am.haghighi@yahoo.com
^۳ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران. ghfarzareei@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری محور مقاومت در هویت‌بخشی جمهوری اسلامی به حزب‌الله لبنان است.؟ فرضیه اصلی این است که هویت اسلامی و شیعی انقلاب ایران با دارا بودن مولفه‌های قدرت نرم خود توانسته باعث هویت‌بخشی به جنبش شیعی حزب‌الله لبنان با تاکید بر روحیه شهادت‌طلبی، دین‌محوری، نمادگرایی شیعه، اعتقاد به ولایت فقیه، مبارزه با نظام سلطه در ابعاد منطقه‌ای گردد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که مشخصه‌های فرهنگی، شیعی، سیاسی و جغرافیایی موجب توسعه هویت‌بخشی انقلاب اسلامی ایران به جنبش حزب‌الله لبنان گردیده است.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی ایران، محور مقاومت، هویت، حزب‌الله لبنان، انقلاب‌های شیعی.

۱. این مقاله برگرفته از: رساله دکترا با عنوان: نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت‌بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت اسلامی، دانشجو: پیروز هاشم‌پور، استاد راهنما: علی محمد حقیقی، ارائه شده در گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، ۱۳۹۹ است.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

۱. مقدمه

انقلاب اسلامی ایران به عنوان پدیده‌ای که بر بنیاد ارزش‌های دین با تکیه بر روش‌ها و شیوه‌های نوین دموکراسی شکل گرفت، مدل جدیدی از مقاومت و مبارزه با استبداد و استعمار را نشان داد، الگوی جدیدی از مدیریت در عرصه قدرت، سیاست و حاکمیت را متجلی و نوعی از جریان احیاء‌گری، بیداری فکری و ایدئولوژیک را ساماندهی نموده است (خواجeh سروری، ۱۳۹۲، ص ۹۶). در واقع پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد که ادیان، بویژه اسلام با گذشت زمان و توسعه مدرنیزاسیون نه تنها به پایان نرسیده بود، بلکه مجدد به عنوان مهم‌ترین راه نجات بشریت از ظلم و بیدادگری احیاء شده و دنیای مادی‌گرایی معنویت‌گریز را با سکون مواجه نموده است. انقلاب با احیای تفکر اسلامی، نقش اسلام و مسلمانان را در عرصه‌های مختلف اجتماعی برجسته ساخته و عنصر هویت اسلامی را به عنوان واقعیتهایی پذیرفته شده در مقابل هویت غربی قرار داد. به همین دلیل منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی برجستگی خاصی پیدا کرده و در این زمینه می‌توان سه رویکرد اصلی را مورد توجه قرار داد: یکی رویکرد جغرافیایی و ژئوپلیتیک، دوم، رویکرد فرهنگی - تاریخی، و سوم، رویکرد ایدئولوژیک و سیاسی امنیتی. بُعد ایدئولوژیک و سیاسی شیعه در سیاست خارجی ایران، منطقه خاورمیانه عربی را به عنوان جایگاه ویژه‌ای برای نفوذ و نقش‌آفرینی و به تبع آن هویت‌بخشی در میان این کشورها ایجاد نموده است (خواجeh سروری، ۱۳۹۲، ص ۹۰). در این راستا، از جمله دستاوردهای انقلاب اسلامی، شکل‌گیری محور مقاومت در منطقه خاورمیانه است که خصوصاً بعد از حوادث یازدهم سپتامبر و حمله آمریکا به عراق شکل گرفت که باعث تقویت حس مقاومت و ایستادگی در مقابل نظام سلطه جهانی و حکومت‌های استبدادی دست‌نشانده و منجر به ایجاد هویتی جدید در خاورمیانه شده است.

در این میان، لبنان یکی از رکن‌های محور مقاومت و از جمله حوزه‌هایی است که قلمروسازی ایران در آن به خوبی عمل کرده و توانسته است نفوذ و سلطه غرب را در این نقطه تا حد زیادی متوقف نماید. نوع قلمروسازی جمهوری اسلامی ایران در این کشور چون از نوع ایدئولوژیک - سیاسی است، توانسته در اذهان و افکار و باورهای مردم نفوذ کند و از سوی احزاب و طوایف گوناگون جامعه لبنانی خصوصاً جنبش شیعی حزب‌الله

مورد پذیرش واقع گردد. به عبارتی بهتر، ایران با شکل‌گیری و تقویت جنبش شیعی حزب‌الله در جنوب این کشور بعد از انقلاب اسلامی در تلاش برای الگوسازی، هویت‌بخشی و انسجام‌بخشی نمود خود در جامعه لبنان، دست زده است. حزب‌الله حامل همان ایدئولوژی بوده که انقلاب اسلامی پیام‌آور آن به شمار می‌رفت، یعنی اتکاء به توان خود برای سرکوب دشمن. به همین علت ایران حزب‌الله را نوک پیکان مبارزه با اسرائیل شمرده و از آن حمایت‌های مادی و معنوی به عمل آورده است (دهقانی فیروزآبادی و ذبیحی، ۱۳۹۱، ص ۸۱). حمایت ایران از حزب‌الله، شامل مبانی هویت سیاسی، فرهنگی، شیعی و ژئوپلیتیکی به حزب‌الله می‌باشد. اما هویت اسلامی و شیعی انقلاب ایران با دارا بودن مولفه‌های قدرت نرم خود توانسته باعث هویت‌بخشی به جنبش شیعی حزب‌الله لبنان با تاکید بر روحیه شهادت‌طلبی، دین‌محوری، نمادگرایی شیعه، اعتقاد به ولایت فقیه، مبارزه با صهیونیسم و اشغال‌گری و نظام سلطه در ابعاد منطقه‌ای شود.

۲. هدف پژوهش

مهم‌ترین اهداف پژوهش حاضر عبارتند از:

- ۱) بررسی اهمیت نقش منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در میان ملل و دولت‌های شیعی
- ۲) واکاوی محور مقاومت اسلامی به عنوان یک مجموعه منطقه‌ای مهم و قابل توجه در معادلات منطقه خاورمیانه و شامات.
- ۳) تبیین و بررسی مقوله هویت‌بخشی به عنوان بُعد نرم قدرت جمهوری اسلامی ایران نسبت به حزب‌الله لبنان.

۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

به دلیل تحلیل‌ها و انتقاداتی که به نقش، فعالیت و حضور ایران در کشورهای منطقه خاورمیانه مطرح می‌شود، حائز اهمیت بود که به واکاوی و علل نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران پرداخته شود. در شرایطی که با ظهور بیداری اسلامی و شکل‌گیری تروریسم تکفیری در مرزهای ایران اسلامی، نیاز به تعریف عمق ژئوپلیتیک و ترسیم سنگر مقاومت در ورای مرزهای ملی کشور احساس می‌شود. به طور کلی بررسی ابعاد قدرت نرم و هویت‌بخشی ایران به محور شیعی حزب‌الله لبنان به عنوان یک جبهه استراتژیک در

مجاورت رژیم اشغالگر قدس بعد از انقلاب اسلامی، حائز اهمیت و بررسی تحقیقات بیشتری خواهد بود.

۴. پیشینه و نوآوری تحقیق

وقوع انقلاب اسلامی ایران برخلاف معادلات و بلوک‌بندی‌های حاکم بر نظام بین‌الملل، منجر به حضور و ایفای نقش و نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه گردید. شکل‌گیری محور مقاومت اسلامی به رهبری ایران متشکل از کشورها و جنبش‌های اسلامی بعد از انقلابات کشورهای عربی موضوع مهمی می‌باشد که شایان بررسی و تعمیق بیشتری است. بررسی‌های انجام شده نشان داد که پژوهشی در مورد هویت‌بخشی مولفه‌های انقلاب اسلامی بر محور مذکور انجام نشده است و می‌تواند در شرایط کنونی منطقه‌ای و حضور موثر ایران در جهت عمق‌بخشی به امنیت خود، پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شود. در ادامه به برخی از پژوهش‌هایی که در برخی ابعاد مرتبط با پژوهش حاضر هستند، اشاره می‌شود.

- **خواجه سروری:** نسبت انقلاب اسلامی ایران با بیداری اسلامی: وجوه تشابه و تمایز،
- **اکبری:** پدیده مقاومت، بسترساز اعمال قدرت فراملی جمهوری اسلامی ایران،
- **برزگر:** نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران،
- **علی‌حسینی و قاسمی حیدری:** تأثیر بُن‌لایه‌های انقلاب اسلامی ایران بر بیداری سیاسی، اجتماعی شیعیان لبنان،
- **یاری‌مطلق:** نقش جمهوری اسلامی در شکل‌گیری و تداوم جریان مقاومت حزب‌الله در لبنان.

در هر کدام از این پژوهش‌ها، اشاره‌هایی به نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران گردیده و به ابعدی از نقش ایران در خاورمیانه و شامات پرداخته شده است. اما درباره موضوع هویت‌بخشی ایران به حزب‌الله لبنان به عنوان یکی از ارکان محور مقاومت اسلامی، پژوهش مستقلی یافت نشد. از این جهت پژوهش حاضر در نوع خود از نوآوری برخوردار می‌باشد.

در این تحقیق، هویت‌بخشی انقلاب اسلامی ایران به عنوان متغیر اصلی و تاثیرگذار و حزب‌الله لبنان هم به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵. سوال اصلی پژوهش

رابطه انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری محور مقاومت در هویت‌بخشی جمهوری اسلامی به حزب‌الله لبنان چگونه است؟

۶. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌های پژوهش با روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده‌اند.

۷. چارچوب نظری

۷-۱. سازه‌انگاری

هویت از نظر لغوی به معنای هستی، ماهیت و سرشت است. هویت مفهومی چندلایه بوده که از سطح فردی شروع می‌شود و به سطوح گروهی، ملی، فراملی می‌رسد. همچنین نقش معناسازی را چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی به عهده دارد. به این ترتیب هویت، مفهومی است که دنیای درونی یا شخصی را با فضای جمعی اشکال فرهنگی و روابط اجتماعی جمع می‌کند. واترمن^۱ هویت را به عنوان یک حس هویت شخصی که به طور واضح تعریفی از خود ترسیم نموده و شامل اهداف، ارزش‌ها و باورهایی که شخصی به روشنی آنها را دارد، معرفی می‌نماید (دهقانی فیروزآبادی و هاشمی، ۱۳۷۹، ص ۳۷). الکساندر ونت^۲، هویت را خصوصیتی در کنش‌گر نیت‌مند در نظر گرفته که موجب تمایلات انگیزشی و رفتاری است (Went, 1994, P.96). همچنین هویت عبارت است از فرآیند معناسازی براساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۲۲).

بر این اساس، سازه‌انگاری به عنوان شاکله‌تئوریک پژوهش، به دلیل تاکید بر هویت و مولفه‌های نرم قدرت، به تحولات و پویایی‌های داخلی و بین‌المللی توجه می‌کند و قائل به ایجاد تحول در عرصه بین‌المللی است. این نظریه با تاکید بر نقش و اهمیت ابعاد غیرمادی

1. Waterman

2. Alexander wendt

حیات اجتماعی، نقش زبان، قواعد، هنجارها، رژیم‌ها، عرفیات و فرهنگ و هویت را در تکوین روابط بین‌الملل مورد توجه قرار می‌دهد. این نظریه، رویکردی است که از افرادی مانند جان راگی^۱، نیکلاس انف^۲، الکساندر ونت و فردریک کراتوچویل^۳ به عنوان نظریه‌پردازان اصلی این دیدگاه در روابط بین‌الملل گسترش یافت. این نگرش بر ساخت اجتماعی واقعیت تاکید کرده و بر این پایه قرار دارد که همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند و این معنا سازی است که به واقعیات جهانی نظم می‌بخشد (شفیعی و رضائی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۲). بر این اساس شاخصه‌های مهم نظریه سازه‌انگاری را می‌توان به شرح زیر معرفی کرد:

۷-۱-۱. هستی‌شناختی و هویت

سازه‌انگاری، سیاست بین‌الملل را براساس یک هستی‌شناختی رابطه‌ای می‌بیند و به عوامل فکری مانند فرهنگ، هنجارها و انگاره‌ها بهاء می‌دهد (کلودزیچ، ۱۳۹۰، ص ۳۲۶). از نظر ونت، انگاره‌های غیرمادی شرایط مادی را هدایت کرده و شرایط مادی زندگی اجتماعی را شکل و تحت‌الشعاع قرار می‌دهند (کلودزیچ، ۱۳۹۰، ص ۳۲۹). توجه سازه‌انگاران از یک‌سو به ایده‌ها، معانی، قواعد، هنجارها و رویه‌ها و تاکید آنها بر نقش عوامل فکری است که آنها را در برابر مادی‌گرایی حاکم بر جریان اصلی در روابط بین‌الملل قرار می‌دهد و در عین حال به دلیل پذیرش اهمیت واقعیت مادی، آنها را از پی‌ساختارگرایان متمایز می‌سازد. برای سازه‌انگاران، سازه‌های تمدنی، عوامل فرهنگی و هویتی دولت‌ها از جهت اینکه چگونه منجر به تأمین منافع قدرت نرم دولت‌ها می‌شود، حائز اهمیت می‌باشد. این عوامل نوعی جهان‌بینی ایجاد کرده و بر الگوهای تعامل بین‌المللی اثر می‌گذارند. بدین ترتیب، هویت‌ها به این اشاره دارند که کنشگران کیستند یا چیستند و به منافع کنشگران توجه می‌کنند. هویت و منافع در ارتباط با هم هستند. هویت‌ها بدون منافع، فاقد هر نوع نیروی انگیزشی هستند. بدون هویت‌ها، منافع جهت ندارند. هویت‌ها به ملت‌ها اجازه می‌دهد که جهان خود را معنادار کنند

1. John Ruggie

2. Nicolas onef

3. Fredrich khatochwil

و به دسته‌بندی موجودیت‌های دیگر اقدام کنند و آنها را دوست یا دشمن تعریف کنند. دولت‌ها با این تصورات با کشوری متحد می‌شوند یا علیه دیگران اقدام می‌نمایند (Wilmer, 2002, P.59). نکته مهم اینجاست که آنکه هویتی را می‌سازد، بر معنایی نهایی که آن هویت برای دیگران پیدا می‌کند، کنترلی ندارد. داور نهایی معنا، ساختار بینذهنی می‌باشد (هوپف، ۱۳۸۶، ص ۴۵۵).

۷-۱-۲. ماده - معنا

از دید سازه‌انگاران، ساختارهای فکری و هنجاری به اندازه ساختارهای مادی در سیاست بین‌الملل موثر هستند، زیرا ساختارهای ذهنی بر هویت کشورها و به تبع منافع و رفتار آنها تاثیرگذارند و منافع را تعریف می‌نمایند. در واقع قدرت توان تاثیرگذاری بر ذهن و روان افراد است و ذهنیت افراد قدرت را تعریف می‌کند و ادراکات و تصورات هستند که واقعیت را ایجاد می‌کنند (هادیان و گل محمدی، ۱۳۸۳، ص ۲۷۳). در نگرش مادی‌گرا، معرفت کامل از طبیعت به واسطه شناخت و یا سازماندهی نیروهای مادی است، در حالی که در نگرش معنایی، شناخت کلی از جامعه به واسطه شناخت سرشت و ساختار آگاهی اجتماعی می‌باشد، نه توزیع توانمندی‌ها.

۷-۱-۳. عامل ساختار و کارگزار

اعمال دیدگاه ساختار و کارگزار به این معنا خواهد بود که سازه‌های روابط بین‌الملل دیگر نه برساخته عوامل عینی و ساختاری محض و نه برساخته عوامل ذهنی و تفسیری محض تصور نخواهند شد، بلکه عملکرد روابط بین‌الملل منتج از درهم‌تنیدگی عوامل ساختاری و کنشی دانسته می‌شوند. به طور خلاصه می‌توان گفت که سازه‌انگاری مبتنی بر سه فرضیه هستی‌شناختی می‌باشد: برساخته بودن هویت و اهمیت ساختارهای معنایی و فکری در آن، رابطه متقابل میان کارگزار و ساختار و نقش هویت در شکل دادن به منافع و سیاست‌ها (سازمند، ۱۳۸۴، ص ۴۱).

۷-۱-۴. هنجارها و ارزش‌ها

از نظر سازه‌انگاران، هنجارها وجود عینی دارند و تنها ایده‌هایی نیستند که در سر افراد وجود داشته باشند، بلکه عقاید مشترکی هستند که در دنیای واقعی در معنایی که به چیزهای مادی می‌دهند و رویه‌هایی که ایجاد می‌کنند نیز وجود دارند (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۶،

ص ۱۹۰). پیروان مکتب سازه‌انگاری بر این باورند که آنچه بازیگر و قواعد بازی در سیاست جهانی تشکیل می‌دهد، ایده‌ها هستند و ایده‌هایی که هنجاری شده باشند، نه تنها بازیگران را محدود می‌کنند، بلکه بازیگران را به وجود آورده و واکنش را امکان‌پذیر می‌نمایند. بیشترین پیوند نظریه سازه‌انگاری و مولفه‌های آن با پژوهش حاضر مبحث هویت‌بخشی و قدرت نرم در عرصه خارجی یک کشور است که هویت‌یابی و هویت‌بخشی مولفه‌های انقلاب اسلامی ایران نسبت به جنبش شیعی حزب‌الله لبنان در چهار بُعد هویت فرهنگی، سیاسی، شیعی و جغرافیایی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف) مشخصه فرهنگی هویت

هویت فرهنگی انقلاب اسلامی ایران به جنبش حزب‌الله لبنان، متأثر از مولفه‌های قدرت نرم خود توانسته است باعث تاثیرگذاری بر جنبش حزب‌الله لبنان در زمینه‌های شهادت‌طلبی، محوریت روحانیت در عمل سیاسی، ولایت فقیه و رهبری امام خمینی، مبارزه با صهیونیسم، دفاع از محرومان و مستضعفان شود. تا جایی که حزب‌الله هنگام تأسیس، در بیانیه‌ای با عنوان «ما کیستیم و هویت ما چیست؟» که هویت‌یابی این جنبش از انقلاب اسلامی ایران را آشکار می‌کند، به بروز این مشخصه پرداخته و می‌نویسد: ما فرزندان حزب‌الله هستیم که خداوند طلعه آن را در ایران به پیروزی رساند تا دوباره هسته اولیه دولت اسلامی را در جهان برپا کند. بنابراین، با گذشت زمان و حمایت‌های جمهوری اسلامی از حزب‌الله لبنان، مبحث هویت‌بخشی ایران به آنان تحت تاثیر آموزه‌های انقلاب اسلامی ادامه پیدا کرد.

ب) بُعد سیاسی هویت

هویت سیاسی را می‌توان انعکاس شاخص‌های رفتاری- کارکردی هر کشور در حوزه سیاست خارجی دانست. هنگامی که هویت سیاسی در کشورهای منطقه و از جمله در کشوری مانند لبنان شکل می‌گیرد، در آن شرایط الگوهای مشترک نظم سیاسی و روش زندگی اجتماعی را منعکس می‌سازد (متقی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۲). در این چارچوب مقاومت حزب‌الله لبنان و تولد آن توسط انقلاب اسلامی ایران، در راستای هویت سیاسی منطقه‌ای ایران تعریف می‌شود.

بر این اساس، مولفه‌های هویت سیاسی انقلاب اسلامی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی شامل موارد زیر است:

۱) برداشت از نظام بین‌الملل که هم یک معیار شناختی و هم یک معیار ارزش‌گذاری است، یعنی وقتی با نگاه اسلامی به جهان نگاه می‌کنیم، جهان را نظام بین‌الملل مرکب از واحدهای ملی نمی‌بینیم، بلکه از منظر ایمان، مرکب از دو قلمرو دارالکفر و دارالاسلام یا دو قلمرو استکبار و استضعاف می‌بینیم.

۲) دومین مسئله، تفوق ارزش عدالت است. این قاعده عدالت به هویت جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک عنصر عدالت‌گرا و یک واحد سیاسی عدالت‌جو شکل خواهد داد و بازتاب آن را می‌توان در تاکید بر حمایت از مستضعفین جهان با حمایت از جنبش‌هایی که در پی ایجاد عدالت هستند و امثال اینها دید.

۳) قاعده دیگر نفی سبیل است. بر اساس این قاعده، غیرمسلمان نباید بر مسلمانان سلطه پیدا کند.

۴) محور دیگر حفظ مصلحت دولت اسلامی است. این اصول کلی تعریف‌کننده هویت سیاسی جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل محسوب می‌شوند و به طور کلی هویت سیاسی ایران در لبنان و کشورهای محور مقاومت بر ضرورت مقاومت در برابر بیگانگان اشاره می‌کند (مصفا، ۱۳۸۹، ص ۲۴). هویت مقاومت شیعیان لبنان متأثر از انقلاب اسلامی ایران ایجاد شده و این امر از بطن احساس بیگانگی و احساس خشم آنان علیه تبعیض ناعادلانه سیاسی و اجتماعی برمی‌خیزد.

ج) هویت شیعی

بر اساس این نوع بُعد هویتی می‌توان گفت که عامل تعیین‌کننده رفتار جمهوری اسلامی ایران در قبال حزب‌الله، فاکتورهای عینی و مادی نیست، بلکه هنجارهایی است که تاثیر مستقیمی بر مولفه‌های هویتی شیعی دارد. هویت اسلامی - شیعی ایران مهم‌ترین تأثیر را در نوع سیاست اتخاذی نسبت به حزب‌الله لبنان داشته است. حزب‌الله گروهی از شیعیان هستند که قرائت آنها از اسلام مانند جمهوری اسلامی بوده، در این صورت هویت شیعی مهم‌ترین هویت حزب‌الله در نظر گرفته شده است و این پیوند میان ایران و حزب‌الله در مقوله هویت ایدئولوژیکی - شیعی جای می‌گیرد. نکته دیگر اینکه تبادل علما و اندیشمندان

شیعی ایران و جبل عامل در گذشته‌های دور و به خصوص بعد از ظهور سلسله شیعی صفویه بسیار قابل توجه بوده است. اعتقاد جنبش حزب الله به نمادهای شیعه مانند قیام امام حسین(ع) در روز عاشورا به عنوان اصل ظلم‌ستیزی و تقابل با حکومت غاصب در قالب هویت‌بخشی شیعی جمهوری اسلامی ایران نسبت به جنبش حزب‌الله لبنان، قرار می‌گیرد.

(د) هویت و جغرافیا؛ مبحث هلال شیعی

ارضای حس تعلق داشتن به سرزمین سیاسی و هویت ملی ویژه، زیربنای انگیزه معنوی اصلی در اندیشه هر انسان است. هنگامی که حس تعلق به سرزمین سیاسی ارضاء شود، نیاز انسان به داشتن هویت خودنمایی می‌کند. هویت در گذشته بیشتر بر مدار خون، سرزمین و نژاد می‌گشت. پیش از پیدایش مفهوم دولت-ملت، پیروان ادیان مختلف را ملت‌های آن ادیان می‌خواندند و ادیان نقش مهمی در هویت‌بخشی داشته‌اند، مانند ملت اسلام و ملت یهود اگرچه سرزمین و جغرافیا یکی از ارکان شکل‌گیری هویت بوده است، تا آنجا که در قرن بیستم نیز برداشت مستقیمی از امت بود که فلسفه کمونیسم، مفهوم خلق را ایجاد کرد، گرچه گستره جغرافیایی آن فرامرزی و فرامنطقه‌ای بود، اما در هشتاد سال بعد در سال ۱۹۹۰ میلادی کارائی خود را از دست داد (مجتهدزاده، ۱۳۷۶، ص ۴۳).

در این قسمت به صورت مختصر اصطلاح هلال شیعی را در قالب رابطه میان هویت و جغرافیا مورد بررسی قرار خواهیم داد:

ظهور انقلاب اسلامی در ایران و روی کار آمدن حکومت شیعی در این کشور، این فرصت را در اختیار اندیشه سیاسی شیعه قرار داد تا بتواند الگوی ایدئولوژی خود را گسترش دهد. اما گسترش این اندیشه به مرور به عوامل مختلفی بستگی داشته است. اصطلاح هلال شیعی، در کاربردی شیعه‌هراسانه بدلیل شدید شدن روابط شیعیان کشورهای ایران و عراق بعد از سقوط صدام حسین در این کشور، از سوی دولت‌های سنی مخالف جمهوری اسلامی ایران، عنوان شد. ملک عبدالله دوم پادشاه اردن در دسامبر سال ۲۰۰۴ میلادی در گفتگو با روزنامه واشنگتن پُست، هنگام دیدارش از امریکا اصطلاح هلال شیعی را عنوان کرد (معروف، ۱۳۹۲، ص ۲۷۰). به نظر پادشاه اردن، هلال جغرافیایی شیعه، از

ایران شروع و با حاکمیت شیعیان بر عراق تداوم یافته و از اقلیت علوی حاکم بر سوریه گرفته تا لبنان که با افزایش روزافزون جمعیت شیعه مواجه است، همه این کشورها را در بر می‌گیرد.

نگرانی اعراب از تقویت شیعه در منطقه خاورمیانه و ادعای شکل‌گیری هلال شیعه از سوی برخی حکام عرب، گرچه با نیاتی آغشته به تضعیف ایران و گسترش ایران هراسی همراه بود، اما مقوله نفوذ ایران در میان ملت‌های شیعه، خصوصاً مردم عراق، لبنان، بحرین و یمن براساس نوشتار مزبور، نفوذ سیاسی و ایدئولوژیک و در قالب قدرت نرم و هویت‌بخشی میان ملت‌ها و دولت‌های شیعه مورد بررسی می‌باشد.

قبل از اینکه به دنبال هلال جغرافیایی شیعه باشیم، باید هلال سیاسی و دینی شیعه ترسیم شود. دشمنان تشیع بیشتر از هلال شیعی جنبه‌ای عینی و جغرافیایی در نظر دارند. آنان از اتصال مذهبی - جغرافیایی شیعیان در کشورهای عربی منطقه می‌ترسند، در حالی که از دیگر جنبه‌های مهم انسانی آن از جمله قابلیت الگوسازی و مبدل شدن به یک شاخص، کم‌تر سخن به میان می‌آورند. آنان بعد از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ میلادی عراق از قدرت یافتن ایران ترس داشتند، بدون آنکه اثرات هلال شیعه و قدرت شیعیان در منطقه را بر عرصه داخلی خود در نظر گرفته باشند. بر این اساس به نظر می‌رسد اشتباه آشکار در فهم مولفه‌های انسانی هلال شیعه صرفاً بیان ژئوپلیتیکی از آن، عاملی مهم در عدم برنامه‌ریزی‌های آنان برای مردم خود شده است (مجتهدزاده، ۱۳۷۹، ص ۲۳).

در اصل باید اشاره کرد هلال شیعه ابزاری بود تا آمریکا با تمسک جستن به آن، به هدف اولیه خود که همان حضور بلندمدت خود در منطقه است، دست یابد و از این شیوه با برجسته‌سازی مفهوم مزبور، انحراف اذهان تصمیم‌گیران عرب را از مسئله اصلی یعنی اسرائیل پی گرفته و نگرانی آنها را نسبت به حاکمیت ایدئولوژی شیعه و به طریق اولی اسلام سیاسی تحت رهبری جمهوری اسلامی ایران در منطقه تحریک نماید.



※ هلال شیعی (https://fa.wikishia.net)

۸. قدرت نرم انقلاب اسلامی و محور مقاومت

قدرت یک مفهوم مهم در روابط بین الملل تلقی گردیده و اصطلاحی ماهیتاً مجادله‌انگیز است، زیرا رابطه‌ای ذاتی و ماهوی میان دال و مدلول قدرت وجود ندارد و مفهوم قدرت، مصداق‌های خود را در گفتمان‌های مترادف جستجو می‌کند. ظهور بازیگران غیردولتی، وابستگی متقابل اقتصادی، فرافناوری‌ها و توسعه شبکه‌های هوشمند ارتباطی، نشانگر دوران تازه‌ای از سیاست جهانی است. در چنین وضعیتی به چهره نرم‌افزاری قدرت توجه ویژه‌ای شده است. در قدرت نرم، از طریق جذب و پرهیز از تطمیع، گستره‌ای بسیار متنوع، در عین حال حساس را در برابر دولت‌مردان یک کشور قرار می‌دهد. از جامع‌ترین تعاریف قدرت نرم، تعریفی است که از تئوریسین این اصطلاح، جوزف نای^۱ آمریکایی عنوان شده است: توان شکل‌دهی به ترجیحات دیگران از طریق قدرت جذابیت که در

1. Joseph Ney

فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست خارجی یک کشور نشان داده می‌شود (نای، ۱۳۸۹، ص ۴۳).
 در این میان آنچه که انقلاب ایران را از سایر انقلاب‌ها متمایز ساخته است، بُعد فرهنگی و جنبه‌های نرم‌افزارانه آن می‌باشد. زمانی که در انقلاب‌های دیگر هم‌عصر این انقلاب، دنیا نظاره‌گر ابعاد مادی انقلاب‌ها نظیر رهایی از استبداد و کسب آزادی و تأمین معاش و مسکن بودند، وقوع چنین انقلابی با داعیه مذهبی و دینی که قدرت بسیج همگانی را داشته باشد، روی دیگر سکه انقلاب‌ها را نشان داد که یک انقلاب می‌تواند بر پایه قدرت غیرمادی مانند دین قرار گرفته باشد (جمال‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۶۲). همان گونه که میشل فوکو^۱، فیلسوف فرانسوی معاصر انقلاب اسلامی نیز در نظرات و دیدگاه‌های خود از انقلاب اسلامی ایران به این نکته تأکید می‌کند که انقلاب مردم ایران در برابر قدرت سخت‌افزاری شاه، دارای جنبه نرم‌افزاری بوده و آنچه در ایران مرا شگفت‌زده می‌کند، این است که مبارزه‌ای میان عناصر متفاوت وجود ندارد. آنچه به همه اینها اهمیت می‌بخشد، این است که فقط یک رویارویی وجود دارد: رویارویی در میان تمام مردم و قدرتی که با سلاح‌ها و نیروی نظامی‌اش مردم را تهدید می‌کند، از یک سو اراده مردمی و از سوی دیگر مسلسل‌ها قرار گرفته‌اند (فوکو، ۱۳۷۹، ص ۵۶).

بر این اساس، از دستاوردهای مهم و تاثیرگذار قدرت نرم انقلاب اسلامی، شکل‌گیری محور مقاومت اسلامی در منطقه خاورمیانه است. محور مقاومت اسلامی، اصطلاحی سیاسی می‌باشد که نخستین بار توسط روزنامه لیبیایی الزحف الاخضر^۲ در مقابل اصطلاح محور شرارت که توسط جورج دبلیو بوش^۳ در سال ۲۰۰۲ مطرح گردید، قرار گرفته است. بر این اساس، کشورهای لیبیایی که رئیس‌جمهور آمریکا از آنها با عنوان محور شرارت^۴ نام می‌برد، در اصل کشورهای محور مقاومت در مقابل ایالات متحده آمریکا بوده و تلاش آن برای سلطه‌گری بر سایر کشورها محسوب می‌شوند. همچنین محور مقاومت، یک ائتلاف ژئوپلیتیک منطقه‌ای و مرکب از مجموعه بازیگران دولتی شامل کشورهای ایران، سوریه و

-
1. Michel Foucault
 2. Al-Zahhw al-Wazir
 3. George W. Bush
 4. The axis of evil

عراق و سازمان‌های غیردولتی مانند، حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین و جنبش شیعیان حوثی‌های یمن است که دارای منافع مشترک ملی، ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک می‌باشند و جمهوری اسلامی ایران در مرکز آن قرار دارد (بصیری و مجیدی‌نژاد، ۱۳۹۶، ص ۱۱). مولود مقاومت، مردم فلسطین است که به جای سازمان آزادی‌بخش فلسطین که تمام عمر خود را در جهت مذاکره صرف کرد، توانست با موفقیت در مقابل رژیم صهیونیستی ایستادگی نماید و در واقع چارچوب اصلی مقاومت همین آرمان مقاومت مردم فلسطین در مقابل رژیم اشغال‌گر قدس یا رژیم صهیونیستی می‌باشد. در حقیقت مقاومت، نبردی نامتقارن است که با آسیب‌پذیری دشمنان قدرتمند ارتباط دارد و شاید مقاومت امروز تنها قدرت فائقه بر اسرائیل و آمریکا است. تأثیر انقلاب اسلامی بر فلسطین برجسته‌تر از هر مکان دیگری بود، زیرا مسلمانان فلسطین در حالی که تحت اشغال رژیم اسرائیل به سر می‌بردند، ناامیدتر و فروپاشیده‌تر از تمامی مسلمانان قرار داشتند (Agnew, 1985, P.35).

مقاومت از قدرت تولید می‌شود و میزان و چگونگی مقاومت در تقابل بین قدرت و مقاومت بسیار تعیین‌کننده است، زیرا اصولاً مقاومت از حداقل ابزارها در مقابل قدرت برخوردار است، جز اینکه مقاومت از ابزاری مانند تفکرات ایدئولوژیک نیز استفاده می‌کند. وقتی مقاومت از ایدئولوژی استفاده می‌کند، توان مضاعفی را کسب کرده و پشتوانه مردمی قوی برای خود ایجاد می‌کند و از ابزارهای غیرفیزیکی نیز بهره‌مند می‌شود (اکبری، ۱۳۸۸، ص ۱۵۴). مقاومت به عنوان یک مقوله رهایی‌بخش در قالب پارادایم^۱ برخورد با سلطه و مبتنی بر قدرت روایت^۲ انقلاب اسلامی از اسلام ناب محمدی و نظام بین‌الملل است. چنین مقاومتی، مقاومت ارزشمند و فعال برخاسته از انقلاب اسلامی و نه مقاومت منفعلانه، بلکه مقاومتی برگرفته از متن قرآن و سنت رسول‌الله است. از این رو می‌توان مهم‌ترین پیامد انقلاب اسلامی را چالش در برابر هژمونیک‌گرایی و سلطه جهان غرب بر مناطق پیرامونی خود در نظر گرفت (داوود، اسلامی و داوند، ۱۳۹۷، ص ۸۴). این مقاومت دارای یک بخش نفی یا سلبی و یک بخش اثباتی و ایجابی است. در مرکز بُعد سلبی مقاومت، سلطه‌ستیزی

1. Paradigm

2. Narrative Power

قرار دارد، یعنی مهم‌ترین عنصر سلبی مقاومت، نفی سلطه و سلطه‌ستیزی و بعد دوم، نفی استکبار و استبدادستیزی است. اما مهم‌ترین وجوه اثباتی و ایجابی گفتمان مزبور که در مرکز آن قرار دارد، عبارتند از: عدالت‌خواهی و حق‌طلبی، اسلام‌خواهی، صلح‌طلبی، عزت‌طلبی و اقتدار، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی، معنویت‌گرایی، حکمت و عقلانیت‌گرایی، مصلحت‌گرایی و آرمان‌گرایی و واقع‌بینی (بصیری و مجیدی‌نژاد، ۱۳۹۶، ص ۱۵).

۹. الگوی منطقه‌گرایی محور مقاومت

منطقه معانی متفاوتی داشته و از آن، تعاریف گوناگونی ارائه شده است. معیار جغرافیایی، نظامی- سیاسی، اقتصادی و مبادلات، رایج‌ترین معیارهایی است که برای منطقه‌بندی کشورها، به کار رفته است. فرهنگ آکسفورد، منطقه را محدوده‌ای جغرافیایی تعریف کرده که بافت مستقلی از شرایط اقلیمی دارا می‌باشد (آکسفورد، ۱۳۸۹، ص ۲۱۰). همچنین منطقه را دربرگیرنده چند کشور دانسته که در پرتو پیوندهای جغرافیایی یا منافع مشترک، با هم مرتبط هستند. همچنین منطقه به مجموعه‌ای از کشورها اشاره دارد که با یک ویژگی مشابه یا بیشتر، مانند سطح توسعه، فرهنگ، یا نهادها و گروه‌های سیاسی، با هم پیوستگی دارند (بوزان و ویور، ۱۳۸۸، ص ۲۱).

به‌طور خلاصه مهم‌ترین خصوصیات هر مجموعه منطقه‌ای را می‌توان این‌گونه برشمرد: وجود وابستگی متقابل نسبتاً امنیتی، وجود چندین دولت مستقل در یک منطقه جغرافیایی، چگونگی توزیع قدرت میان دولت‌های عضو یک مجموعه منطقه‌ای، وجود الگوهای دوستی و دشمنی در منطقه، قرابت جغرافیایی دول مجموعه، استقلال نسبی یک مجموعه و حضور قدرت‌های بزرگ در یک مجموعه امنیت منطقه‌ای (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۲۹۵). در اینجا منظور از منطقه، یک مکانی است که براساس آمیزه‌ای از مجاورت جغرافیایی، تراکم تعاملات، وجود چارچوب‌های نهادی مشترک و از هویت‌های فرهنگی مشترک تعریف می‌شود. بر این اساس مناطق، واحدهایی پویا بوده و بیشتر ساخته‌هایی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هستند که تعین مکانی داشته و سرشت و کارویژه‌هایشان در گذر زمان مورد تغییر و تحول واقع می‌شود (گریفتس، ۱۳۸۸، ص ۹۳۰).

در اینجا مناطق به عنوان پدیده‌های هویتی و شناختی در نظر گرفته می‌شوند که توده مردم به طور عام و یا نخبگان به طور خاص در آنها احساس با هم بودن، تعلق داشتن و

سهیم بودن در ارزش‌ها و منافع مشترک دارند. یکی از مسائل اساسی جمهوری اسلامی ایران، مربوط به امنیت و محیط امنیتی کشور می‌باشد. محیط امنیتی ایران که شامل محیط مجاور و محیط منطقه‌ای است، در ارتباط مستقیم با تحولات و تغییرات منطقه خاورمیانه بوده و از طرفی در عصر جهانی شدن ارتباطات و اطلاعات، متأثر از فرایندها و تحولات جهانی است. خاورمیانه منطقه بااهمیتی است که دارای اهمیت ویژه‌ای بوده و امنیت و ثبات در آن، ارتباط مستقیمی با امنیت جمهوری اسلامی ایران دارد. براساس تعریف بوزان و همکاران از مجموعه امنیتی منطقه‌ای، می‌توان واحدهای تشکیل دهنده محور مقاومت را یک خوشه منطقه‌ای قلمداد کرد، چون تهدیدات علیه آنها و نیز فرصت‌های پیش روی آنها تا حد زیادی مشترک و دارای عناصر مشترکی از نظر تاریخی، فرهنگی، خطرات و سرنوشت است. باری بوزان تصریح می‌کند که امنیت در خاورمیانه یک معما است. در خاورمیانه، دوستی یک بازیگر با بازیگر دیگر، حتماً متضمن خصومت با بازیگر دیگر است، به طوری که در خاورمیانه نمی‌توان به کشور دوست کمک کرد، بدون آنکه دشمن خود را قوی نمود (بوزان و ویور، ۱۳۸۸، ص ۱۹۵).

محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های امنیتی پایدار در منطقه خاورمیانه که در تقابل مستقیم با امنیت ملی رژیم صهیونیستی قرار داشته و دارد، قابل بررسی و تأمل می‌باشد. وجود حداقل دو بازیگر موثر (ایران و سوریه) و همسایگی و نزدیکی جغرافیایی و اشتراکات هویتی (فرهنگ، نژاد و قومیت) و ایدئولوژیکی، وابستگی‌های متقابل امنیتی و حاکمیت الگوهای دوستی و دشمنی، سبب گردیده است تا علاوه بر اینکه مجموعه امنیتی محور مقاومت به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های امنیتی خاورمیانه به شمار آید، بلکه شاید مهم‌ترین و پایدارترین ایشان به حساب آید. یکی از مولفه‌هایی که ویژگی خاص مجموعه امنیتی مقاومت که در خاورمیانه واقع شده است را تحت تأثیر قرار داده و الگوهای رفتاری واحدهای سیاسی در منطقه را ایجاد نموده است، ساخت اجتماعی منطقه می‌باشد. درون این ساختار آنارشیک، علاوه بر روابط قدرت، الگوهای دوستی و دشمنی نیز در تعیین ساختار بنیادین و ماهیت مجموعه امنیتی در این منطقه نقش دارند و این امر نشان می‌دهد که این الگوها از طریق نفوذ، منفعت و هویت در ساختار بنیادین مجموعه امنیتی منطقه ایجاد شده‌اند. همچنین توازن قدرت به تنهایی برای برآورد الگوهای منازعه در منطقه کافی نیست، بلکه دوستی و تنفرهای تاریخی در قالب

اسلام و مسیحیت، اسلام سیاسی از نوع سلفیت و شیعی، موجب منازعه یا همکاری می‌شوند (بوزان و ویور، ۱۳۸۸، ص ۲۱۰). بدین ترتیب، کاربست نظریه مجموعه امنیتی چشم‌انداز مطلوبی را برای تحلیل و بررسی مسایل و پویس‌های امنیتی خلق می‌کند، چیزی که در شعاع نظریه‌های دیگر و به خصوص نظریه رئالیستی به دست نمی‌آید، زیرا وضعیت آنارشیک سیاست در خاورمیانه بیش از آنکه متأثر از تعریف رئالیست‌ها از آنارشی بین‌المللی باشد، بر پایه تعارضات هویتی و ادراکات متعارض ایجاد گردیده است.

۱۰. حزب‌الله و آرمان‌های شیعی

کشور جمهوری لبنان کوچک‌ترین سرزمین خاورمیانه پس از بحرین می‌باشد و مساحت آن حدود ۱۰۴۵۲ کیلومتر مربع است. لبنان هفده فرقه رسمی دارد که شامل یازده فرقه مسیحی، پنج فرقه اسلامی و یهودیان می‌باشد. قانون اساسی آن در سال ۱۹۲۶ تدوین شده و تاکنون شش بار اصلاح شده است. ترکیب جمعیتی این کشور را چهل درصد مسیحی، بیست و هفت درصد شیعه، بیست و شش درصد اهل تسنن و هفت درصد دروزی تشکیل می‌دهد. براساس توافق قانون اساسی، ریاست جمهوری در دست مسیحیان مارونی، نخست‌وزیر سنی و رئیس مجلس شیعه می‌باشد (ناتنه، ۱۳۷۹).

جمعیت مسلمانان از بدو استقلال لبنان تا به امروز، همواره رو به ازدیاد بوده و از شمار جمعیت مسیحی، به دلایل مختلف و از جمله مهاجرت، کاسته شده است. مسلمانان لبنان را شیعیان (دوازده امامی)، اهل سنت، دروزی‌ها، علویان و اسماعیلی‌ها تشکیل می‌دهند و کاتولیک‌های مارونی، ارتدوکس‌های یونانی، کاتولیک‌های یونانی، ارمنیان ارتدوکس، ارمنیان کاتولیک، کاتولیک‌های رومی، آشوری‌ها، پروتستان‌ها و قبطی‌ها جامعه مسیحیان را تشکیل می‌دهند. یهودیان، اقلیت بسیار کوچکی هستند که اغلب در بیروت سکونت دارند. حزب‌الله یک سازمان سیاسی - نظامی و شیعی مذهب در لبنان است که در اوایل سال‌های دهه ۱۹۸۰ میلادی و با الهام از ایدئولوژی اسلام سیاسی و متأثر از انقلاب اسلامی ایران از درون جنبش امل^۱ ظهور کرد. انتخاب عنوان حزب‌الله از سوی رهبران این حزب، از

۱. «امل» مخفف عبارت «افواج المقاومة اللبنانية» یعنی «گروه‌های لبنانی مقاومت» و خود عبارت «امل» نیز در عربی به معنای «امید» است.

یک طرف نشانگر هویت گسترده‌ای بوده که حزب بدنبال آن است و از سویی دیگر، نشانی از تفکر انترناسیونالیستی اسلامی حزب‌الله یا همان امت اسلامی به جای مفهوم غربی دولت-ملت می‌باشد (عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۸). در فضای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۸۲ با حمله به لبنان، زمینه را برای ایجاد تشکیلات جدیدی میان شیعیان مهیا کرد. اولین مقاومت در مقابل ارتش اشغالگر قدس نیز در منطقه خلد^۱ توسط تعدادی از جوانان مذهبی شیعه که تحت تاثیر ایده‌های انقلاب اسلامی قرار گرفته بودند، صورت گرفت. این افراد خود را یاران خمینی معرفی نموده بودند. پس از این تهاجم و ناکامی گروه‌ها و احزاب چپ مارکسیستی لبنان و ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی و ناصری و بعثیسم، زمینه مساعدی برای شکل‌گیری تشکیلات اسلامی حزب‌الله فراهم شد. به دنبال شرکت نیبه بری، رهبر جنبش امل در سال ۱۹۸۲ در گردهمایی کمیته نجات ملی، سید ابراهیم امین، مسئول دفتر جنبش امل اسلامی در تهران با برگزاری کنفرانسی مطبوعاتی به کمیته مزبور حمله و سید حسین موسوی جانشین رهبر جنبش امل به سوی منطقه بقاع حمله کرد و تأسیس جنبش امل اسلامی را اعلام کرد که بعدها به حزب‌الله پیوست. طرح تشکیلاتی اولیه حزب‌الله در سال ۱۹۸۴ تقدیم امام خمینی شده و مورد تایید ایشان قرار گرفت و مشروعیت پیدا کرد (نعیم، ۱۳۸۳، ص ۲۶). جامعه شیعی لبنان که تا پس از جنگ جهانی دوم اساساً غیر سیاسی بود، در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به گونه‌ای فزاینده سیاسی شد. در طول دهه ۱۹۷۰، امام موسی صدر رهبر مذهبی‌زاده شده و تحصیل‌کرده در ایران، به تفسیر دوباره‌ای از نمادگرایی شیعه دست زد که با تفسیر انقلابی امام خمینی از اسلام طی سال‌های تبعیدش از ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۸ مشابهت داشت. این رویکرد موید شکل‌گیری جنبش فعالانه اصلاحات اجتماعی و سیاسی (حرکت محرومین) بود. جنبشی که گروه شبه نظامی امل از درون آن تشکیل شد (اسپوزیتو، ۱۳۹۶، ص ۲۱). جنبش حزب‌الله تبلور عینی انقلاب اسلامی در لبنان به شمار می‌آید. در حالی که رهبران جنبش امل، علاقه چندانی به گفت‌وگو و ایدئولوژی اسلام‌گرایی با برداشت انقلاب اسلامی لبنان نشان نمی‌دادند. جنبش حزب‌الله که متشکل از اسلام‌گرایان

مبارز بود، به پرشورترین و مطمئن‌ترین حامل این گفتمان تبدیل شد. اما پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و مبنای ایدئولوژی برجسته آن یعنی ولایت فقیه، بیشتر بعد از اشغال لبنان توسط رژیم صهیونیستی به ظهور یک جنبش دینی منجر شد. گروه‌های اسلام‌گرا که در بعلبک جمع شده بودند، به رغم اختلاف دیدگاه‌هایشان بر دو اصل توافق نمودند: اعتقاد به ولایت فقیه و پیروی از امام خمینی و مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی.

۱.۱. پیوستگی مقاومت حزب‌الله لبنان و انقلاب اسلامی

سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله در جای‌جای سخنان خود به رابطه حزب‌الله و مقاومت اسلامی و پیوند آن با انقلاب اسلامی ایران تاکید می‌کند. ایشان در مراسم شهادت سید عباس موسوی دبیرکل حزب‌الله می‌گوید: اصول و مبانی ما همان است و به هیچ وجه از آن کوتاه نمی‌آئیم، حتی اگر ما را قطعه‌قطعه کنند و وحشیانه‌ترین کشتارها را در مورد ما انجام دهند، آمریکا دشمن اصلی ملت و شیطان بزرگ باقی خواهد ماند. مقاومت راهی است که هرگز از آن عدول نخواهیم کرد، قدس همیشه در ذهن ما، هدف اول، آرمان نامحدود و عشقی سوزان به معراج شبانه حضرت رسول اکرم (ص) و قبله اول باقی خواهد ماند (بزی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۴). همچنین درباره محور مقاومت و شکل‌گیری آن در منطقه، در سفری به ایران و دیدار با مقام معظم رهبری عنوان می‌کند که پس از آغاز حوادث سوریه بود که با ایشان دیدار کردم. در آن زمان همه به این نتیجه رسیده بودند که دولت سوریه بعد از دو یا سه ماه ساقط خواهد شد. ما برای مقام معظم رهبری پروژه‌های طرف متخاصم را شرح دادیم و گفتیم اگر در دمشق مبارزه نکنیم، در هرمل، بعلبک، ضاحیه و جنوب لبنان مبارزه خواهیم کرد. ایشان ضمن موافقت، سخنان ما را تکمیل کرده و افزودند: نه تنها در این مناطق، بلکه در کرمان و خوزستان و تهران نیز مجبور به مبارزه خواهیم بود. ایشان تاکید کردند این محور شامل چند کشور می‌شود، محور ایران، محور لبنان و محور سوریه (نصرالله، ۱۳۹۶). در جایی دیگر سید حسن نصرالله اشاره می‌کند: مقاومت اعم از آنکه در غزه و فلسطین یا در لبنان باشد، همواره هدف بوده است و هست و خواهد بود. تا وقتی که فلسطین و اراضی لبنان و سوریه در اشغال است، و مقدّسات تحت کنترل اشغال‌گران است، و تا وقتی که نقشه صهیونیستی وجود دارد و تا وقتی که در میان امت ما کسی زنده است، اشغال‌گری و سلطه‌گری را رد می‌کند و بر دفاع و مقاومت و مقابله با نقشه

صهیونیست‌ها اصرار دارند و به همین علت هدف خواهند بود. به طور کلی ایشان همانند دبیرکل‌های سابق حزب‌الله، پایبند به اصل مقاومت در مقابل نظام سلطه می‌باشد. برجستگی بُعد شیعی هویت اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، خود منجر به این شد تا سیاست خارجی ایران در جهت حمایت از نهضت‌ها و جنبش‌های شیعی مانند حزب‌الله لبنان معطوف شود.

۱۲. مبانی هویت‌بخشی انقلاب اسلامی ایران در قبال حزب‌الله لبنان

رابطه مردم لبنان با مردم ایران و تأثیر متقابل آن، سابقه تاریخی دارد و نقطه اوج آن در تاریخ به زمان صفویه و مهاجرت علمای جبل عامل به ایران و حضور آنان در محافل علمی و سیاسی و مذهبی ایران بازمی‌گردد.

شاید برای برخی این سوال مطرح شود که چرا جمهوری اسلامی ایران به منزله یک دولت با اقتدار اقدام به سرمایه‌گذاری و ایجاد رابطه حیاتی با یک حزب در درون مرزهای سیاسی محصور نموده است. در پاسخ به این پرسش باید گفت، اول اینکه حزب‌الله فقط یک حزب نیست، بلکه جریانی فراگیر، محبوب و با پشتوانه مردمی بالا در لبنان و جهان اسلام است. دوم آنکه، به علت نزدیک بودن بسیار زیاد ایدئولوژی اسلامی - شیعی حزب‌الله با جمهوری اسلامی ایران و به تبع مبانی و نگرش سیاسی این جنبش نیز بیشترین مشابهت را با جمهوری اسلامی ایران دارد. این امر در حالی است که اقدامات حزب‌الله در لبنان و عرصه مواجهه با اسرائیل با استراتژی امنیتی ایران در مقابل این رژیم قرابت زیادی دارد. لذا، سرمایه‌گذاری بر روی آن حزب و برقراری رابطه با آن، که قوی‌ترین جنبش در مجاور مرزهای اشغالی و در کنار آن است، یکی از مهم‌ترین ابزارهای بازدارنده جمهوری اسلامی در مقابل تهدیدات اسرائیل، آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آنها می‌باشد (گلشنی و باقری، ۱۳۹۱، ص ۱۲۵).

تأثیرپذیری آن از آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران، در واقع از جمله موارد موثر در گرایش این حزب به استفاده از الگوی مقاومت و کاربرد روش‌های قهرآمیز بر ضد اسرائیل است. حزب‌الله حامل همان ایدئولوژی بود که انقلاب اسلامی ایران، پیام‌آور آن به شمار می‌رفت، یعنی اتکاء به توان خود برای سرکوب دشمن. به همین علت ایران، حزب‌الله لبنان را نوک پیکان مبارزه علیه اسرائیل به حساب آورده و حمایت معنوی از آن را در صدر

سیاست‌های خود براساس اصل حمایت از مظلوم قرار داد.
در ادامه مولفه‌های هویت‌بخش انقلاب اسلامی در قبال جنبش شیعی حزب‌الله لبنان بررسی خواهد شد:

۱-۱۲. اعتقاد به ولایت فقیه

مهم‌ترین حلقه اتصال حزب‌الله و انقلاب اسلامی، پذیرش ولایت فقیه از سوی حزب‌الله است. حزب‌الله در نامه معروف خود با عنوان مانیفست^۱ حزب‌الله در سال ۱۹۸۵ که به‌طور رسمی منتشر شد، اذعان داشت: تعهد خود را نسبت به رهبری یگانه و عادلانه ولی فقیه جامع‌الشرایط که در حال حاضر در شخص امام آیت‌الله العظمی روح‌الله الموسوی الخمینی مجسم شده‌اند، اعلام می‌داریم (اسداللهی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۲). در واقع حزب‌الله بازتاب واقعی اندیشه‌ها و افکار امام خمینی در لبنان است. به‌طور مشخص، حزب‌الله خود را پیرو و تابعی از انقلاب اسلامی می‌داند و به‌گونه‌ای عمل می‌کند که با انقلاب بیعت کرده است. مهم‌ترین ویژگی حزب‌الله در پیوند دادن مردم با ولایت فقیه می‌باشد. در واقع رمز موفقیت حزب‌الله، ارتباط قوی با ولایت فقیه و اطاعت ایشان و الگوگیری از جوانان دلیر ایران اسلامی است. در این زمینه سید حسن نصرالله در پاسخ به این سوال خبرنگاران که اگر غرب به ایران حمله کند، عکس‌العمل شما چگونه خواهد بود، اظهار می‌دارد: در این راه هرچه ولایت فقیه دستور دهند، ما آن را بدون چون و چرا و با تمام توان خود انجام خواهیم داد. دفاع از جمهوری اسلامی ایران یک وظیفه شرعی است (بیگی، ۱۳۸۸، ص ۳۳۹). همچنین ایشان با اعتقادی راسخ به ولایت فقیه، روش امام خمینی و رهبر معظم انقلاب و اندیشه‌ها و مبانی فکری این دو بزرگوار را شناخته و با الگوبرداری دقیق از این روش، حزب را تا این مرحله اداره و رهبری کرده است. ولایت فقیه در اندیشه و مرام حزب‌الله، جانشین خدا، یعنی همان خلیفه‌الله بر روی زمین است (غریب، ۱۳۸۴، ص ۱۱۴). همچنین نصرالله، امام خمینی را امام و رهبر به معنای تمام کلمه می‌داند و ولی فقیه را استمراردهنده رسالت پیامبر(ص) پس از رحلت آن حضرت دانسته و امام خمینی را امام حسین عصر و شخصیتی مقدس از سلاله پیامبر(ص) توصیف می‌کند (غریب، ۱۳۸۴،

ص ۱۱۷). پیوند فکری حزب‌الله با ایران متأثر از افکار و الهامات امام خمینی و در حال حاضر فرمایشات مقام معظم رهبری بوده و موضع‌گیری ایدئولوژیک حزب‌الله را هدایت می‌کند.

۱۲-۲. روحانیت عمل‌گرا و مقاومت حزب‌الله

از آغاز تشکیل و حرکت حزب‌الله، روحانیت نقش برجسته‌ای داشته‌اند. روحانیونی نظیر سید عباس موسوی، شیخ صبحی طفیلی، شیخ حسین کورانی، سید حسن نصرالله، سید ابراهیم امین نقش اساسی ایفا کردند. بیشتر روحانیون لبنان از علمای ایرانی از جمله امام خمینی متأثر بودند. آنان با الهام از انقلاب ایران دست به تشکیل حزب‌الله زدند که اکثریت اعضای آن روحانی بودند. حضور روحانیون در حزب‌الله منجر به نفوذ روزافزون این حزب در میان شیعیان لبنان شد و همین امر سبب موفقیت بیش از حد آن گردید. نقشی که روحانیون در ارکان مختلف حزب‌الله دارند، در هیچ یک از احزاب و سازمان‌های لبنانی سابقه ندارد. از ابتدای تأسیس حزب‌الله تاکنون، همواره اکثریت اعضای شورای حزب‌الله را روحانیون تشکیل می‌داده‌اند. سخنگو، دبیرکل و معاون دبیرکل حزب‌الله، همیشه از روحانیون بوده‌اند (بیگی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۲) و مطابقت و همسانی که در این میان وجود دارد، رهبری و جنبش حزب‌الله است که توسط یک روحانی سید می‌باشد و به دلیل اهمیت سادات به عنوان فرزندان پیامبر اکرم (ص) و امامان شیعه از محبوبیت و نفوذ معنوی بیشتری در میان شیعیان برخوردار هستند. اکثر این روحانیون شیعه لبنان که تحصیلات خود را در حوزه علمیه نجف گذرانیده بودند، از روحانیان و علمای ایرانی متأثر شده، با آنان روابط صمیمی داشتند و از این طریق، دو پایه اساسی ایدئولوژی و ساختار تشکیلاتی حزب‌الله لبنان را به وجود آوردند. این روحانیون جوان برای طی مدارج عالی علمی به حوزه علمیه نجف رفته بودند، اما در پایان دهه هفتاد، مقامات عراقی از بیم تاثیرپذیری شیعیان عراق از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، طلبه‌های غیرعراقی را از این کشور اخراج نمودند. بنابراین، این طلبه‌های جوان لبنانی به کشورشان بازگشتند و آموزه‌های اسلام سیاسی و انقلابی را با خود به لبنان بردند. بدین ترتیب روحانیون شیعه دو نقش مهم در حزب‌الله ایفا می‌کردند:

۱. ارتباط بین ولی‌فقیه و پیروان لبنانی وی را برقرار ساختند،

۲. صیانت از ماهیت اسلامی حزب‌الله، به معنای تبیین شرعی برای اعمال و مواضع حزب‌الله، از جمله مقاومت در برابر اسرائیل را بیان می‌کردند (حسینی و قاسمی حیدری، ۱۳۹۴، ص ۵۴).

۱۲-۳. ادبیات سیاسی حزب‌الله

ادبیات سیاسی حزب‌الله نشانگر تاثیرپذیری این حزب از انقلاب اسلامی می‌باشد. واژه‌ها و اصطلاحاتی که در بیانیه‌های حزب‌الله یا شخصیت‌های این حزب به کار می‌رود، برگرفته و متأثر از واژگان و اصطلاحات انقلاب اسلامی ایران است. انتخاب نام حزب‌الله در عین حال برگرفته از آیه ۲۲ و ۵۶ سوره مائده بوده و از فرهنگ سیاسی ایران نشأت گرفته است (یاری مطلق، ۱۳۹۵، ص ۶۱). در گفتمان حزب‌الله به مسلمانان و سایر ملل ضعیف جهان به دید مستضعفان نگریسته می‌شود که همان مفهومی است که امام خمینی در سخنان خود استفاده می‌کرد. بر همین اساس حزب‌الله اولین ایستگاه رادیویی خود را در شهر بعلبک، یا صوت المستضعفان، نام نهاد. همچنین در روش‌های تبلیغاتی نیز از انقلاب اسلامی اثر پذیرفته است. حزب‌الله به تاسی از انقلاب اسلامی، از مسجد به عنوان پایگاه و محور بسیج نیروها در مقابله با رژیم صهیونیستی استفاده کرد. پرچم‌های «یا امام حسین(ع)» و «یا صاحب الزمان(عج)» بر فراز مساجد، از نمونه‌های تبلیغاتی دیگر حزب‌الله می‌باشد. حضور در راهپیمایی روز قدس نیز نمایش اقتدار تبلیغاتی دیگر حزب‌الله بوده است (یاری مطلق، ۱۳۹۵، ص ۶۸). همه این موارد اثرپذیری و هویت‌بخشی آموزه‌های نرم انقلاب اسلامی ایران در قالب ادبیات سیاسی بوده که به جنبش شیعی حزب‌الله در جنوب لبنان منتقل شده است.

۱۲-۴. نمادگرایی شیعه

بهره‌برداری حزب‌الله از نمادها و سمبل‌های مذهب شیعه، برای انتقال پیام‌های انقلابی و رادیکال، جلوه دیگری از تاثیرپذیری این حزب از انقلاب اسلامی ایران علی‌رغم تفاوت‌های زبانی و فرهنگی جامعه ایران و لبنان به شمار می‌آید. استفاده از نمادهایی همچون مسئله عاشورا، شهادت امام سوم شیعیان، جنگ‌های پیامبر اعظم(ص) و حضرت علی(ع)، ظهور امام زمان(عج) و... حزب‌الله را در انتقال پیام‌های مربوط به جهاد، شهادت، استقامت، تحمل مشکلات و مصائب قوی‌تر می‌نماید (بیگی، ۱۳۸۸، ص ۳۲۹). از سوی

دیگر حزب‌الله با تاکید بر ماهیت دینی و شیعی این حزب و ضرورت تشکیل امت واحده اسلامی در مبارزه با اسرائیل، خود را به عنوان یک جنبش اسلامی فارغ از اختلافات طبقه‌ای و شیعه و سنی مطرح کرده و علی‌رغم تاکید بر آموزه‌ها و مولفه‌های شیعی، هیچ گونه تمایلات فرقه‌گرایانه در اهداف آنها به چشم نمی‌خورد. نمادگرایی حزب‌الله و استفاده از سمبل‌های شیعه باعث می‌گردد افراد با پیوستن به این حزب، از لبنانی بودن یا عضو یک طایفه محروم بودن در کشوری که به وسیله جنگ میان طوایف مختلف و متعدد تکه‌تکه شده بود، دست بردارند. بدین ترتیب یک روستایی فقیر و یا جوان فقیر شیعه ساکن حومه جنوبی بیروت از طریق حزب‌الله به یک مسلمان انقلابی تبدیل می‌شد که عضو یک جامعه دینی - سیاسی گسترده در پنج قاره جهان و سربازی در یک جنبش جهانی به رهبری امام خمینی بشمار می‌آمد. جنبشی که در تلاش برای پیروز ساختن اسلام بر کفر جهانی بود. این امر، مأموریتی قابل تقدس به بشمار می‌آید (بیگی، ۱۳۸۸، ص ۳۲۳).

۱۲-۵. مبارزه حزب‌الله با رژیم صهیونیستی و نظام سلطه

پس از تهاجم اسرائیل در سال ۱۹۸۲ به لبنان که منجر به خالی شدن صحنه جنوب لبنان از مقاومت فلسطین شده بود و همچنین به دلیل گرایش جنبش امل از نظامی‌گری به سیاسی، صحنه مبارزه با صهیونیست‌ها خالی مانده و هیچ گروهی انگیزه کافی برای مبارزه را نداشت. در چنین شرایط سختی، تنها عاملی که می‌توانست این ضعف را از مردم، به ویژه شیعیان لبنان بزدايد، بروز یک اعتقاد مذهبی و توجه به خدا بود. انگیزه اساسی این اعتقاد در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی بوجود آمده بود و فقط نیاز به اجابت داشت. از آن پس مقاومت اسلامی شاخه نظامی حزب‌الله در خط مقدم نبرد با صهیونیست‌ها بوده است. فرهنگ شهادت و روحیه شهادت‌طلبانه از تاثیرات مهم انقلاب اسلامی بر مقاومت اسلامی لبنان بوده که در نبرد با صهیونیست‌ها کاربرد بسیار بالایی داشته است (میرباقری، ۱۳۸۲، ص ۱۳۴). حزب‌الله پایه اصلی حرکت خود را روی مبارزه‌ای ریشه‌ای با منکر بنا کرده و از دیدگاه این جنبش، آمریکا، فرانسه و اسرائیل را به عنوان دشمنان اصلی خود معرفی می‌کند (عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۰). حمایت ایران از حزب‌الله به عنوان کانون برجسته مقاومت و جنبش شیعی مجاور و در حال مبارزه با اسرائیل، یعنی متحد استراتژیک آمریکا از اهمیت فراوانی در تثبیت هویت جمهوری

اسلامی ایران به عنوان دولتی انقلابی، و هویت بخشیدن به اعضای محور مقاومت شامل حزب الله لبنان می‌گردد. این جنبش با تأثیرپذیری از مولفه‌های انقلاب اسلامی، ایدئولوژی حداکثرگرایی را که به دنبال نابودی موجودیت صهیونیسم می‌باشد، با آغوش باز پذیرفته و از این طریق ایران ضمن ارتباط با حزب الله و حمایت از آن، اقدام به نزدیکی به اصلی‌ترین تهدید منطقه‌ای خود نموده و آتش جنگ را از مرزهای خود دور ساخت. به عبارتی بهتر، عرصه امنیت ملی خود را به خارج از مرزهای خود گسترش داده است.

۱۲-۶. روحیه ایثار، شهادت، مقاومت و استکبارستیزی

هویت مقاومت زمانی شکل می‌گیرد که کشورها در وضعیت حرکت‌های سیاسی در برابر شرایط ناعادلانه قرار دارند. نشانه‌های هویت مقاومت در زیرساخت‌های فرهنگ سیاسی ایرانی وجود دارد. زمانی که تهدیدهای انباشته فراوری امنیت ملی جمهوری اسلامی شکل گرفت، کشور ایران در وضعیت واکنش به شرایط تهدید قرار داده شد. این روند نشانه‌هایی از احیای گرای اسلامی را شکل داد. این هویت مقاومت دارای برخی نمادهای فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیک بوده است. بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند هویت مقاومت در ایران همواره براساس آموزه‌های دینی و اسطوره‌ای ناشی از نهضت عاشورای حسینی می‌باشد (فولر، ۱۳۸۴، ص ۲۹۱). در واقع جرقه‌های مقاومت در جنبش حزب الله در قالب عملیات شهادت طلبانه ظهور و بروز خاصی یافت. بی‌شک از مهم‌ترین بازیگران هویت‌ساز و تاثیرگذار در منطقه خاورمیانه، دولت جمهوری اسلامی بوده است. به تعبیر گابریل بندور^۱، ایران تنها دولت اسلامی و واقعی در جهان اسلام است که بر پایه ارزش‌های دینی قرار داشته و توانایی مدیریت یک دولت مدرن بر پایه اسلام را دارد. این امر باعث ترویج این نظر شده است که مدل دولت اسلامی می‌تواند به عنوان بهترین آلترناتیو در مقابل دولت‌های استبدادی و توتالیتر قرار گیرد (دهشیری، ۱۳۹۴، ص ۱۶۱). حزب الله لبنان پیروزی نهایی خود را در سال ۲۰۰۰ با ریختن آبروی رژیم اسرائیل در تاریخ ثبت کرد و این پیروزی در سایه قدرت مقاومت و بسیج مردمی آن بود. پس، تا زمانی که رژیم صهیونیستی عرض اندام می‌کند، جهاد و جنگ دو رکن اساسی حزب الله

است. مهم‌ترین دستاوردهای عملیات استشهادی حزب‌الله متاثر از آموزه‌های انقلاب اسلامی را بایستی موارد پیش‌رو برشمرد:

- ۱) انتقال روش مبارزاتی حزب‌الله به مقاومت فلسطین،
- ۲) رد الگوی بیهوده مذاکره با رژیم صهیونیستی،
- ۳) سست کردن عامل شکست‌ناپذیری این رژیم،
- ۴) تبدیل حزب‌الله به عنوان حزب سیاسی مهم و الگوی امت اسلامی (یاری مطلق، ۱۳۹۵، ص ۶۴). در این زمینه سید عباس موسوی می‌گوید: پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اعتماد به نفس را به مسلمانان بازگرداند و آنها را از میزان قدرت و توانایی که در اسلام و اندیشه‌های اسلامی نهضت است، آگاه ساخت. به عبارت دیگر، مقاومت در مقابل تجاوزگری رژیم صهیونیستی و به تبع آن ایستادگی تا شهادت در راه آرمان و عقیده که منبعث از قیام امام حسین(ع) در عاشورای سال شصت و یک هجری قمری بوده است، را می‌توان دستاورد مهم و برجسته حزب‌الله لبنان دانست که نشأت گرفته از آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران بوده است. به طور کلی می‌توان حمایت ایران از اعضای محور مقاومت از جمله حزب‌الله با نظام سلطه را با این دید تعریف نمود که این امر به ایران، هویت دولت مستقل می‌بخشد و از این جهت است که ایران برای تثبیت استراتژی ضد سلطه خود به دنبال همکاری و همراهی با نیروهای ضد هژمون چه در سطوح دولتی و غیردولتی در سطح نظام بین‌الملل است.

۱۳. نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران با رویکرد دینی و با ارائه مولفه‌هایی چون بازگشت به خویشتن، حمایت از مظلومان، مبارزه با صهیونیسم، عدالت‌طلبی، استقلال‌خواهی، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش، مقاومت در مقابل ظلم، به عنوان یک هویت جدید در عصر غلبه ابرقدرت‌های شرق و غرب پدیدار گردید و به الگوی هویت‌بخشی برای دیگر کشورها و جنبش‌ها تبدیل شد؛ تا جایی که کانون توجهی برای زنده کردن و رواج هویت دینی شیعیان و حتی در نگاهی کلی‌تر، هویت دینی مسلمانان پدید آورد و اسلام و تشیع را در قلب حوادث و اخبار جهانی قرار داد. هویت به عنوان مولفه نرم قدرت یک کشور به تحولات و پدیده‌های داخلی و بین‌المللی توجه کرده و قائل به ایجاد تحول در عرصه

بین‌المللی می‌باشد. نظریه هویت‌بخشی با تاکید بر نقش و اهمیت ابعاد غیرمادی حیات اجتماعی، نقش زبان، قواعد، هنجارها، رژیم‌ها، عرفیات و فرهنگ را در تکوین روابط بین کشورها یاری می‌رساند و از آنجایی که هویت‌ها با منافع یک کشور در ارتباط هستند، می‌توان با تکیه بر قدرت نرم هویت به سمت معنادار کردن جهان خود و همچنین تعریف نمودن کشورها به گروه‌های دوست و دشمن اقدام نمود. انقلاب اسلامی، باعث تبدیل شدن شیعیان به عنصری تاثیرگذار در تحولات منطقه‌ای و جهانی شد. شیعیان با توجهی که به هویت فراموش شده خویش داشتند، در مقابله با مشکلات سیاسی- اجتماعی موجود، نیرویی مضاعف کسب کردند. از دستاوردهای مهم انقلاب، شکل‌گیری محور مقاومت اسلامی متشکل از دولت شیعی عراق بعد از صدام حسین، سوریه بشار اسد و جنبش حزب‌الله لبنان، به عنوان یک ائتلاف ژئواستراتژیک منطقه‌ای با رهبری ایران در مقابل محور محافظه‌کاری عربی- عبری متحد با نظام سلطه و استکبار جهانی در منطقه استراتژیک خاورمیانه بوده که دارای نقش و نفوذ تأثیرگذاری می‌باشد. محوری که خصوصاً بعد از اوج‌گیری انقلابات سال ۲۰۱۱ موسوم به بیداری اسلامی در خاورمیانه عربی و شمال آفریقا، سمت و سوی جدیدی پیدا کرد. در این میان ظهور و سازماندهی گروه‌های تروریستی تکفیری مانند داعش، جبهه النصره و... در منطقه و ورود آنها به کشورهای عراق و سوریه، باعث شد تا جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان رهبر محور مقاومت، به تقویت محور مزبور در مقابله با حملات گروه‌های سلفی بپردازد. اما جنبش شیعی حزب‌الله لبنان که خود با حمایت جمهوری اسلامی ایران از بعد از انقلاب متولد شد، و در ابتدا به عنوان سازمانی صرفاً نظامی با اهدافی محدود محسوب می‌گردید، هم‌اکنون به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در معادلات و تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای به شمار می‌رود و از حالت یک گروهک چریکی خارج شده و به عنوان یک سازمان منطقه‌ای فعالیت می‌کند. این جنبش که دارای هویت اسلامی و شیعی بوده، متأثر از مولفه‌های هویتی قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران در چهار بُعد هویت فرهنگی، سیاسی، ایدئولوژی شیعی و ژئوپلیتیکی، به عنوان عضو مهم و راهبردی محور مقاومت اسلامی، دست به اقدامات با اهمیتی در تقابل با نظام سلطه منطقه‌ای و مقابله با رژیم صهیونیستی زده است.

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد انقلاب اسلامی ایران توانسته است با مولفه‌های

قدرت نرم خود از قبیل تاکید بر روحیه شهادت‌طلبی، دین‌محوری، نمادگرایی شیعه، اعتقاد به ولایت فقیه، مبارزه با صهیونیسم و نظام سلطه در ابعاد منطقه‌ای، دست به هویت‌بخشی به جنبش حزب‌الله لبنان زده و باعث شود تا جنبش حزب‌الله پس از یک دوره عسرت و سستی از خواب غفلت هشیار شده، هویت تازه‌ای یافته و باعث نقطه عطفی در احیای هویت دینی آنان گردد. به عبارتی دیگر، جمهوری اسلامی ایران توانسته است در اتحاد با این جنبش شیعی علی‌رغم نائل شدن به اهداف استراتژیک خود در منطقه، ایدئولوژی هویت‌بخش شیعی را نیز در خدمت استراتژی قرار دهد.

منابع

۱. اسپوزیتو، جان (۱۳۹۶). انقلاب ایران و تأمل جهان آن. ترجمه محسن مدیرخانه‌چی. تهران: نشر چاپ.
۲. اسداللهی، مسعود (۱۳۷۹). مقاومت تا پیروزی در تاریخ لبنان. تهران: موسسه پژوهشگران اندیشه نور.
۳. اکبری، حسین (۱۳۸۸). پدیده مقاومت، چارچوب تمرین قدرت فراملی. سیاست‌های دفاعی، سال هفدهم، شماره ۶۶.
۴. بز، محمدحسین (۱۳۸۶). حزب‌الله در کلام سیدحسن نصرالله. ترجمه مصطفی الهیاری. تهران: شرکت بین‌المللی انتشارات.
۵. بصیری، محمدعلی؛ مجیدی‌نژاد، موسی (۱۳۹۶). بررسی تهدیدهای امنیتی داعش در محور مقاومت و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات انقلاب اسلامی*، دوره ۱۴، شماره ۴۸، ص ۷-۲۶.
۶. بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و ترس. ترجمه موسسه مطالعات استراتژیک. تهران: مطالعات استراتژیک.
۷. بوزان، باری؛ ویور، اولی (۱۳۸۸). مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌المللی. ترجمه رحمان قهرمان‌پور. تهران: مطالعات استراتژیک.
۸. بیگی، مهدی (۱۳۸۸). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۹. جمال‌زاده، ناصر (۱۳۹۱). قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه فرهنگی انقلاب. *تحقیقات انقلاب اسلامی*، دوره ۱، شماره ۴، ص ۶۱-۸۶.
۱۰. حسینی، علی؛ قاسمی حیدری، سوزان (۱۳۹۴). تأثیر لایه‌های انقلاب اسلامی بر بیداری سیاسی اجتماعی شیعیان در لبنان. *مطالعات بیداری اسلامی*، دوره ۷، شماره ۷.
۱۱. خواجه سروری، غلامرضا (۱۳۹۲). ظهور انقلاب اسلامی ایران با بیداری اسلامی: شباهت‌ها و تمایزها. *مطالعات انقلاب اسلامی*، دوره ۹، شماره ۲۸، ص ۹۵-۱۱۰.
۱۲. داوود، محمد؛ اسلامی، محسن؛ داوند، حجت (۱۳۹۷). تأثیر انقلاب اسلامی بر هندسه قدرت مقاومت اسلامی در غرب آسیا. *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، دوره ۷، شماره ۱، ص ۷۹.
۱۳. دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۴). بیداری اسلامی و شکل‌گیری هندسه جدید خاورمیانه. *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۴، ص ۱۵۷-۱۸۰.
۱۴. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ ذبیحی، رضا (۱۳۹۱). انقلاب اسلامی ایران و نامناسب بودن نظم بین‌المللی. *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، شماره ۳۱.
۱۵. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ هاشمی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۹). اهمیت روابط فرهنگی ایران و مصر در عصر گفتگو در بین تمدن‌ها. *مطالعات آفریقا*، سال پنجم، شماره ۲.
۱۶. سازمند، بهار (۱۳۸۴). تحلیل ساختاری هویت ملی در طول جنگ تحمیلی. *مطالعات ملی*، سال ششم، شماره ۲.
۱۷. شفیعی، نوذر؛ رضائی، فاطمه (۱۳۹۱). نقد و ارزیابی نظریه ساختاری. *پژوهش‌های سیاسی*، سال چهارم، سال اول، ص ۶۳-۸۵.
۱۸. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۶). رویکردها و مدل‌های امنیتی معاصر. تهران: موسسه بین‌المللی مطالعات و تحقیقات معاصر.
۱۹. عظیمی دولت‌آبادی، امیر (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی جنبش حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن. *اندیشه سیاسی در*

- اسلام، شماره ۱۱.
۲۰. غریب، سعد (۱۳۸۴). امل، دین و سیاست در حزب‌الله لبنان. ترجمه غلامرضا تهامی. تهران: موسسه مطالعات اندیشه نور.
۲۱. فرهنگ آکسفورد. ترجمه محمود نورمحمدی. تهران: انتشارات راهنا، ۱۳۸۹.
۲۲. فوکو، میشل (۱۳۷۹). ایران: روح یک جهان بی‌روح. ترجمه نیکو سرخوش، افشین جهان دید. تهران: نشر نی.
۲۳. فولر، گراهام (۱۳۸۴). شیعیان عرب: مسلمانان فراموش شده. ترجمه خدیجه تبریزی. قم: موسسه انتشارات شیعه.
۲۴. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت). ترجمه حسن چاوشیان. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۵. کلودزیچ، ادوارد (۱۳۹۰). امنیت و روابط بین‌الملل. ترجمه نادر پورخوندی. تهران: موسسه مطالعات استراتژیک، چاپ دوم.
۲۶. گریفیثس، مارتین (۱۳۸۸). دایره‌المعارف روابط بین‌الملل و سیاست جهانی. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر نی.
۲۷. گلشنی، علیرضا؛ باقری، محسن (۱۳۹۱). موقعیت حزب‌الله در استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران. تحقیقات سیاسی بین‌المللی، سال دوم، شماره ۳.
۲۸. متقی، ابراهیم (۱۳۹۳). تحول برنامه‌های آمریکای خاورمیانه، اصول، موانع و چالش‌ها. تهران: موسسه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۹. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۶). جغرافیا و سیاست در دنیای واقعیت‌ها. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۱۹-۱۲۰.
۳۰. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹). ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی. تهران: نشر نی.
۳۱. مصفا، نسرین (۱۳۸۹). نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مرکز انتشارات.
۳۲. معروف، یحیی (۱۳۹۲). ویژگی‌های جغرافیایی مناطق شیعه‌نشین هلال شیعه. مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۳، ص ۲۸۴-۲۶۹.
۳۳. میرباقری، یزدان (۱۳۸۲). حماسه مقاومت اسلامی در جنوب لبنان. تهران: اندیشه‌های نور.
۳۴. نانت، ژاک (۱۳۷۹). تاریخ لبنان. ترجمه اسدالله علوی. مشهد: بنیاد تحقیقات اسلامی.
۳۵. نای، جوزف (۱۳۸۹). قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل. ترجمه سید محسن روحانی، مهدی ذوالفقاری. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
۳۶. نصرالله، سیدحسین (۱۳۹۶). داستان دیدار سیدحسین نصرالله در اوایل بحران سوریه با امام خامنه‌ای. قابل دسترس در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/07/02/2103963/>
۳۷. نعیم، قاسم (۱۳۸۳). حزب‌الله لبنان، سیاست آن، گذشته و آینده. ترجمه مهدی شریعتمدار. تهران: انتشارات اطلاعات.
۳۸. هادیان، ناصر؛ گل محمدی، احمد (۱۳۸۳). عوامل ذهنی موثر در اندازه‌گیری قدرت و پیامدهای آن. سیاست خارجی، سال هجدهم، شماره ۲.
۳۹. هویف، تد (۱۳۸۶). نواقح‌گرای، نظریه انتقادی و مکتب برسازی. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.

۴۰. یاری مطلق، میثم (۱۳۹۵). نقش جمهوری اسلامی در شکل‌گیری و ادامه روند مقاومت حزب‌الله در لبنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی. تهران: دانشگاه خوارزمی.

41. Wilmer, F. (2002). **The social construction of the man, state and war**. London: Routledg.
42. Agnew, W. (1985). **Geopolitical Thought in the twentieth century**. New York: St martins, john.
43. Went, A. (1994). Collective identity formation and the international state. *American political science review*, No. 88.
44. <https://fa.wikishia.net>

References

1. Wilmer, F. (2002). **The social construction of the man, state and war**. London: Routledg.
2. Abdullah Khani, A. (2007). **Contemporary Security Approaches and Models**. Tehran: International Institute for Contemporary Studies and Research. [In Persian]
3. Agnew, W. (1985). **Geopolitical Thought in the twentieth century**. New York: St martins, john.
4. Akbari, H. (2009). The Resistance Phenomenon, The Framework for Transnational Power Exercise. *Journal of Defense Policy*, Year17, No.66. [In Persian]
5. Assadollahi, M. (2000). **From Resistance to Victory in the History of Hezbollah in Lebanon**. Tehran: Noor Thought Makers Institute and Research. [In Persian]
6. Azimi Dolatabadi, A. (2016). A Comparative Study of the Lebanese Hezbollah Movement and Ansarollah Yemen. *Political Thought in Islam*, No.11. [In Persian]
7. Basiri, M.A. & Majidi Nejad, M. (2017). Exploring ISIL's Security Threats on the Axis of Resistance and Its Impact on National Security of the Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*, Vol.14, No.48, P.7-26. [In Persian]
8. Bazi, M.H. (2007). **Hezbollah in the Words of Sayyed Hassan Nasrallah**. Translation by M. Elhayari. Tehran: International Publishing Company. [In Persian]
9. Beigi, M. (2009). **Soft Power of the Islamic Republic of Iran**. Tehran: Imam Sadegh University Press. [In Persian]
10. Bozan, B. & Vivor, O. (2009). **Areas and Powers: International Security Structure**. Translated by R. Ghahramanpour. Tehran: Strategic Studies. [In Persian]
11. Bozan, B. (1999). **People, Governments and Fear**. Translated by Institute for Strategic Studies. Tehran: Strategic Studies. [In Persian]
12. Castells, M. (2001). **Information Age: Economics, Society and Culture (Identity Strength)**. Translated by H. Chavoshian. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications. [In Persian]
13. Claudez, E. (2011). **Security and International Relations**. Translated by N. Pourkhondi. Tehran: Institute for Strategic Studies, Second Edition. [In Persian]
14. Davood, M., Islami, M. & Davond, H. (2018). The Impact of the Islamic Revolution on the Geometry of Islamic Resistance Power in West Asia. *Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World*, Vol.7, No.1, P.79-99. [In Persian]

15. Dehghani Firouzabadi, S.J. & Hashemi, S.M.H. (2000). The Importance of Cultural Relations between Iran and Egypt in the Age of Dialogue among Civilizations. *Journal of African Studies*, Fifth Year, No.2. [In Persian]
16. Dehghani Firouzabadi, S.J. & Zabihi, R. (2012). The Islamic Revolution of Iran and the Inappropriateness of the International Order. *Journal of Islamic Revolution Studies*, Ninth Year, No.31. [In Persian]
17. Dehshiri, M.R. (2015). Islamic Awakening and the Formation of New Middle East Geometry. *Political Studies of the Islamic World*, Fifth Year, No. 4, P.157-180. [In Persian]
18. Esposito, J. (2017). **The Iranian revolution and its reflection on the world**. Translated by M. Modirkhanehchi. Tehran: Print Publishing. [In Persian]
19. Foucault, M. (2000). **Iran: The Spirit of a Soulless World**. Translated by N. Sarkhosh, A. Jahan Dide. Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
20. Fuller, G. (2005). **Arab Shiites: Forgotten Muslims**. Translated by Khadijeh Tabrizi. Qom: Shiite Institute of Publications. [In Persian]
21. Gharib, S. (2005). **Amal, Religion and Politics in Hezbollah in Lebanon**. Translated by Gholamreza Tahami. Tehran: Institute of Noor Thought Studies. [In Persian]
22. Golshani, A.R. & Bagheri, M. (2012). The Position of Hezbollah in the Deterrence Strategy of the Islamic Republic of Iran. *International Political Research*, Second Year, No.3. [In Persian]
23. Griffiths, M. (2009). **Encyclopedia of International Relations and World Politics**. Translated by A. Tayeb. Tehran: Ney. [In Persian]
24. Hadian, N. & Gol Mohammadi, A. (2004). Subjective Factors Affecting the Measurement of Power and Its Consequences. *Foreign Policy Quarterly*, Eighteenth Year, No.2. [In Persian]
25. Hopoff, T. (2007). **Neo-Realism, Critical Theory and the School of Construction**. Translated by A.R.Tayeb. Tehran: Publication of the Office of Political Studies. [In Persian]
26. Hosseini, A. & Ghasemi Heidari, S. (2015). The Impact of the Layers of the Islamic Revolution on Political, Social Shiites in Lebanon. *Islamic Awakening Studies*, Vol.7, No.7. [In Persian]
27. Jamalzadeh, N. (2012). The Soft Power of the Islamic Revolution of Iran and the Cultural Theory of Revolution. *Islamic Revolution Research Journal*, Vol. 1, No. 4, P.61-86. [In Persian]
28. Khajeh Sarvari, Gh.R. (2013). The Rise of the Islamic Revolution of Iran with Islamic Awakening: Similarities and Distinctions. *Journal of Islamic Revolution Studies*, Vol.9, No.28, P.95-110. [In Persian]
29. Maroof, Y. (2013). Geographical features of the Shiite territories of the Shiite Crescent. *Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*, Tenth Year, No.33, P.284-269. [In Persian]
30. Masafa, N. (2010). **A Look at the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, Iranian Foreign Policy Research Initiative**. Tehran: Center for Publications and Publications. [In Persian]
31. Mirbagheri, Y. (2003). **The Epic of Islamic Resistance in Southern Lebanon**. Tehran: Noor Thoughts. [In Persian]
32. Mojtahedzadeh, P. (1997). Geography and Politics in the World of Realities. *Political-Economic Information Monthly*, No. 19 - 120. [In Persian]

33. Mojtahedzadeh, P. (2000). **Geopolitical Ideas and Iranian Realities**. Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
34. Motaghi, I. (2014). **The Evolution of American Middle East Plans, Principles, Obstacles and Challenges**. Tehran: Institute for Islamic Culture and Thought. [In Persian]
35. Naeem, Q. (2004). **Hezbollah of Lebanon, Its Policy, Past and Future**. Translated by M. Shariatmaddar. Tehran: Information Publication. [In Persian]
36. Nante, J. (2000) **History of Lebanon**. Translated by A. Alavi. Mashhad: Islamic Research Foundation. [In Persian]
37. Nasrallah, S.H. (2017). **Sayyed Hasan Nasrallah's Story of Meeting with Imam Khamenei Early in the Syrian Crisis**. Retrieved from: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/07/02/2103963/>. [In Persian]
38. Nay, J. (2008). **Soft Power, Tools of Success in International Politics**. Translated by S.M. Rouhani, M. Zolfaghari. Tehran: Imam Sadegh University Press. [In Persian]
39. **Oxford Culture**. Translated by M. Nourmohammadi. Tehran: Rahnama Publications, 2010. [In Persian]
40. Sazmand, B. (2005). Structural Analysis of National Identity during the Imposed War. *National Studies*, Sixth Year, No.2. [In Persian]
41. Shafiee, N. & Fatemeh, R. (2012). Critique and evaluation of structural theory. *Political Research*, No.4, P.63-85. [In Persian]
42. Went, A. (1994). Collective identity formation and the international state. *American political science review*, No. 88.
43. Yari Motlagh, M. (2016). **The Role of the Islamic Republic in the Formation and Continuation of the Hezbollah Resistance Process in Lebanon**. Master of Science Degree in Islamic Revolution History. Kharazmi University. [In Persian]
44. <https://fa.wikishia.net>

شیوه ارجاع به این مقاله

DOI: 10.22034/sej.2020.1916299.1279

هاشم‌پور، پیروز؛ حقیقی، علی محمد؛ زارعی، غفار (۱۴۰۰). هویت‌بخشی انقلاب اسلامی ایران به محور مقاومت اسلامی (مطالعه موردی: حزب‌الله لبنان). سیپهر سیاست، دوره ۸، شماره ۲۷، ص ۳۱-۶۴.